

خلاصہ کتاب

# آیین زندگی

(اخلاق کا ربردی)

اثر: احمد حسین شریفی

## باسمه تعالی

انسان از آغاز تا پایان زندگی خویش به طور فطری به ارزشهای اخلاقی گرایش دارد و شخصیت وی پیوسته با معیار فضایل و رذایل اخلاقی، محک می خورد و هر کس در این سنجش به امتیاز بالاتری دست یابد در خاطر مردمان و نزد خدای خود، جایگاهی رفیع و ارزشمند خواهد داشت. آیین زندگی (اخلاق کاربردی) به عنوان یک رشته علمی در دوران اخیر، مورد توجه جدی اندیشمندان اخلاقی مغرب زمین نیز قرار گرفته است تا جایی که آثار بسیار متعدد و متنوعی را در حوزه های مختلف اخلاق کاربردی پدید آورده اند. در این درس، کوشش شده است تا با تکیه بر آیات و روایات، مهمترین مسائل اخلاقی مورد نیاز جوانان، به ویژه دانشجویان در قالبی نو عرضه شود. به طور کلی فصولی که در این درس به آنها پرداخته می شود عبارتند از:

فصل اول: تعریف و جایگاه اخلاقی کاربردی

فصل دوم: اخلاق دانشجویی

فصل سوم: اخلاق نقد (شیوه های اخلاقی مواجهه با اندیشه ها)

فصل چهارم: اخلاق معیشت

فصل پنجم: اخلاق معاشرت

فصل ششم: اخلاق جنسی

فصل هفتم: اخلاق سیاست

## فصل اول

### "معناشناسی و جایگاه اخلاق کاربردی"

- معناشناسی اخلاق و علم اخلاق

واژه اخلاق در لغت به معنای سرشت و سجه به کار می رود؛ اعم از سجایای نیکو و پسندیده یا سجایای زشت و ناپسند. (مراجعه به کتابهای لغت از قبیل: لغت نامه دهخدا و نیز تاج العروس شود) رایج ترین معنای اصطلاحی اخلاق:

"صفات و ویژگیهای پایدار در نفس که موجب می شوند کارهایی متناسب با آن صفات، به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل، از انسان صادر شود". (مراجعه به محججه البیضاء، محسن فیض کاشانی، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۵ ص ۹۵ شود). اخلاق از یک لحاظ به دو قسم تقسیم می شود:

۱- اخلاق فضیلت؛ که مبتنی بر کارهای پسندیده است ۲- اخلاق رذیلت؛ که مبتنی بر کارهای ناپسند است.

تعریف علم اخلاق با تکیه بر علم: "علمی است به آن که نفس انسان چگونه خلقی اکتساب تواند کرد..." (اخلاق ناصری، خواجه نصیرالدین طوسی) تعریف علم اخلاق با تکیه بر عمل: "علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد".

تعریف جامع: "علم اخلاق علمی است که ضمن معرفی و شناساندن انواع خوبیها و بدیها، راههای کسب خوبیها و رفع و دفع بدیها را به ما تعلیم می دهد". (فلسفه اخلاق، محمد تقی مصباح یزدی)

- انواع پژوهشهای اخلاقی

امروزه پژوهشهای تحقیقات علمی درباره اخلاق در سه حوزه صورت پذیرفته:

۱- اخلاق توصیفی ۲- اخلاق هنجاری ۳- فرا اخلاقی

۱- اخلاق توصیفی:

- در این نوع از پژوهشها به توصیف و معرفی اخلاقیات افراد، گروهها و جوامع مختلف از سوی جامعه شناسان، مردم شناسان و مورخان پرداخته می شود. هدف در این نوع پژوهش: تنها آشنایی با نوع رفتار اخلاقی فرد یا جامعه ای خاص است. - روش در اخلاق توصیفی: تجربی و تاریخی است.

۲- اخلاق هنجاری (اخلاق دستوری) - در اخلاق هنجاری به بررسی افعال اختیاری انسان از حیث خوبی یا بدی و بایستگی و نبایستگی می پردازد. - موضوع بحث در این نوع پژوهش، افعال اختیاری انسان است. - روش در این نوع پژوهش، استدلالی و عقلی است نه تجربی و تاریخی.

-فرا اخلاق به بررسی تحلیل و فلسفی درباره مفاهیم و احکام اخلاقی می پردازد.  
-موضوع این نوع پژوهش، مفاهیم و جمالتی است که در اخلاق هنجاری مورد بحث قرار می گیرند.  
-وظیفه اصلی در این نوع پژوهش، بررسی معنای خوب و بد و تحلیل گزاره های مورد بحث از قبیل: "سقط جنین خوب است، یا سقط جنین بد است" می باشد.

- اخلاق کاربردی:

-اخلاق کاربردی در حقیقت زیر مجموعه اخلاق هنجاری است به تعبیر دیگر، اخلاق کاربردی همان اخلاق هنجاری است.  
-اخلاق کاربردی درصدد آن است که کاربرد و اعمال منظم و منطقی نظریه اخلاقی را در حوزه مسائل اخلاقی خاصی نشان دهد.  
-اخلاق کاربردی شامل اخلاق حرفه ای نیز می شود.  
-منظور از اخلاق حرفه ای، تأمل درباره ابعاد اخلاقی مسائل و موضوعاتی است که به مشاغل خاصی مربوط می شود؛ مانند: اخلاق پزشکی، اخلاق تجارت، اخلاق روزنامه نگاری و ...

- اهمیت و جایگاه اخلاق کاربردی: - علم اخلاق یکی از ضروری ترین علوم برای انسان است - امام کاظم (ع) فرمودند: لازم ترین دانش برای تو، دانشی است که تو را به صلاح قلبت راهنمایی کند و فساد آن را برایت آشکار سازد.

-هدف اصلی رسالت انبیاء؛ پرورش اخلاقی مردمان و تزکیه و تهذیب جانهای آنان بوده است.

-مشکل عمده افراد چگونه قابل حل است؟

راه حل مشکل = شناخت بیماری (مفسده اخلاقی) + راه علاج + تصمیم اخلاقی

مشکل عمده بسیاری از افراد این است که :

اولاً: راه انجام وظایف اخلاقی و نحوه اعمال احکام اخلاقی را به درستی نمی توانند تشخیص دهند.

ثانیاً: در بزنگاه نمی توانند تصمیم اخلاقی درستی را اتخاذ نمایند.

-رسالت عمده اخلاق کاربردی چیست؟

-تحلیل و بررسی ریشه ای و بنیادین فضایل و رذایل اخلاق و راه تشخیص تکالیف اخلاقی و شیوه تحقق آنها در حوزه های خاصی می پردازد.

## فصل دوم

### "اخلاق دانشجویی"

- اهمیت و ضرورت

-اهمیت علم و علم آموزی، از دیدگاه اسلام، به قدری واضح است که نیازی به توضیح ندارد.

-نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد، بهترین دلیل بر جایگاه ویژه تعلیم و تعلیم در اسلام است: "اقرأ باسم ربك الذي خلق..."

"بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید. همان کس که انسان را از خون بسته ای خلق کرد. بخوان که پروردگارت از همه بزرگوارتر است، همان

کسی که به وسیله قلم تعلم داد، و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد

- "ضرورت تحصیل علم از دیدگاه اسلام، ضرورتی مطلق است. یعنی نه قید افرادی دارد، نه قید زمانی، نه قید مکانی و نه هیچ قید و محدودیت دیگری.

دیگری.

-آیا تحصیل علم، مطلوبیت ذاتی دارد؟

-تحصیل علم، مطلوب ذاتی نیست. یعنی به صرف عالم شدن و تحصیل علم، سعادت حقیقی انسان تأمین نمی شود. چه فراوان بوده اند اندیشمندانی که علم را در جهت توسعه فساد به کار گرفته اند.

- دانش اندوزی و پارسایی

-پارسایی چه نقشی در تعلیم و تحصیل معرفت و دانش حقیقی دارد؟

-بی تردید متون دینی، همه انسان ها حتی کافران و فاسقان را به دانش اندوزی و پیروی از دانش و پرهیز از پیروی گمان دعوت کرده و به تعقل و تدبیر فرا خوانده اند.

-پارسایی در کنار خردورزی و دانش اندوزی به معنای ناتوانی بی تقوایان از درک و اقامه براهین عقلی نیست؛ بلکه مراد آن است که با بازگرداندن

روح و سرشت آدمی به حالت پاکی و صداقت نخستین و فطری اش، فراگیری و پذیرش حقایق را برای او تسهیل می کند.

- تقوا سبب می شود فطرت انسان به پاکی و زلال نخستین خود باز گردد.

- موانع دست یابی به علم حقیقی

ذهن آدمی، گاه در اثر چینش نادرست مقدمات یا کوتاهی در انتخاب مواد یقین آور برای استدلال، دچار خطا می شود و گاه در اثر مشکلات اخلاقی و آلودگیهای نفسانی از درک درست حقایق، ناتوان می گردد.

۱- پیروی از حدس و گمان

یکی از لغزشگاه های فهم و اندیشه درست آن است که انسان به جای پیروی از یقین، به گمان و حدس، بسنده کند.

۲- تقلید کورکورانه

یکی دیگر از موانع تحصیل علم واقعی و داشتن اندیشه درست، سپردن مهار تفکر به دست دیگران است.

۳- شتاب زدگی

انسان، گاه در داوریهای علمی و عقلانی خود شتاب می کند؛ و به صرف فراهم آمدن اطلاعاتی اندک درباره یک موضوع، به نتیجه گیری می پردازد.

قرآن کریم در تفسیر شتاب زدگی می فرماید " ( :ویدع الانسان بالشر دعاء بالخیر و کان الانسان عجولاً" ) اسرا/ ۱۱

و انسان بر اثر شتاب زدگی، بدی را طلب می کند و آن گونه که نیکی ها را طلب می کند و انسان، همیشه عجول بوده است.

امام علی (ع): از شتاب زدگی بپرهیز؛ زیرا شتاب زدگی در کارها موجب می شود که انسان به هدف نرسد و کارش مورد ستایش نباشد.

۴- تمایلات نفسانی

هدف از تحصیل علم = رسیدن به حقیقت به میزان توان. مانع از رسیدن به حقیقت = نشستن گرد و غبار گرایشهای نفسانی بر چهره دیدگان اندیشه.

عوامل انحراف تفکر:

۱- حب ۲- بغض ۳- جهت گیریهای تعصب آمیز ۴- عجب و خودبزرگ بینی

- آداب اخلاقی آموختن

۱- انگیزه الهی (اخلاص)

پیامبر اکرم (ص) در حدیث مشهوری فرمودند: " من اخلص لله اربعین صباحاً جرت ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه ".

هر کس خوند را چهل روز برای خدا خالص کند، چشمه های حکمت از قلب او بر زبانش جاری خواهد شد.

- ماهیت هر عملی با توجه به نیتی که فرد در انجام آن داشته است، مشخص می شود.

- در اسلام برای ارزش گذاری اخلاقی یک کار، وجود دو عنصر، ضروری است:

۱- حسن فعلی = خوب بودن کار

۲- حسن فاعلی = نیت خوب داشتن در انجام کار

- کار اخلاقی و ارزشمند از دیدگاه اسلام کاری است که صرفاً برای رضایت خداوند انجام گرفته باشد.

مراتب رضایت الهی:

۱- رهایی از عذاب الهی (بندگان)

۲- بهره مندی از نعمت های الهی (تاجران)

۳- خشنودی خداوند نه چیز دیگر (آزادگان)

- انتخاب استاد شایسته

مدتی می باید لب دوختن وز سخن دانان سخن آموختن تا نیاموزد نگوید صد یکی ور بگوید، حشو گوید بی شکی

- تأثیر استاد و نوع ارزشها و نگرشها و جهان بینی او در شاگردان، جای هیچ تردیدی ندارد.

استاد شایسته کیست؟ کسی است که:

۱- از تکبر به تواضع دعوت می کند.

۲- از حيله گری به خیرخواهی فرا می خواند.

۳- از جهل به علم می کشاند.

- رعایت اولویتها

مهمترین وظیفه دانشجویان تحصیل علوم نافع به حال جامعه است.

- خوب گوش دادن

امام علی (ع): زمانی که نزد دانشمندی نشستی، پس بر شنیدن نسبت به گفتن حریص تر باش و خوب گوش دادن را بیاموز.

- پرسش و پرسش گری چه اهمیتی دارد؟

- پرسش و پرسش گری اگر به منظور کشف حقیقت و فهم واقعیت باشد، از فضایل اخلاقی به حساب می آید.

- پیامبر اکرم (ص) پرسش را به عنوان کلید خزاین و گنجینه های دانش معرفی کرده اند.

- امام صادق (ع): پرهیز از سؤال موجب هلاکت یک قوم است.

- آیا پرسش و پرسش گری دارای ارزش ذاتی است؟ خیر، تنها زمانی دارای ارزش است که به منظور کشف حقیقت باشد.

امام علی (ع): برای دانستن پرسش نه برای آزار دادن. (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، حکمت ۳۲۰، ص ۴۱۹)

- ضبط و نگارش مطالب: امام صادق (ع): دانش را بنگارید، چرا که شما بدون نگارش نمی توانید آن را حفظ کنید.

- تواضع در برابر استاد: سعی نکرده در این ره به جایی نرسی - مزد اگر می طلبی طاعت استاد بپر

- امام زین العابدین (ع): حق کسی که علم می آموزد این است که او را بزرگ بداری و احترام مجلسش را بداری.

- چرا اسلام برای معلم و استاد احترام و ارزش والایی قائل است؟ به نظر می رسد مهمترین علت آن، ارزشمندی خود علم است.

- خودشناسی

خودشناسی مقدم بر همه دانشهاست؛ زیرا برای انسان خسران بزرگی است که جوهر مسائل بیرونی را بداند و دائماً به مطالعه و آزمایش پردازد اما از سیر

نفسی و اندیشه در امور درونی خود غافل باشد.

## فصل سوم

### اخلاق نقد (شیوه های اخلاقی مواجهه با اندیشه ها)

۱- اهمیت و جایگاه

- بدون تردید یکی از مهمترین نشانه های شکوفایی علم و اندیشه در یک جامعه و همچنین یکی از علائم رشد و بالندگی و پویایی یک ملت، رونق

گرفتن مباحثات علمی، تضارب آرا و تبادل افکار است.

رونق مباحثات علمی = شکوفایی علم و اندیشه

- یکی از پی آمدهای علم رونق مباحثات علمی، رونق بازار ترجمه است.

- مهمترین شرط برای نشاط و شکوفایی علم و اندیشه، آزادی است.

- آزادی اندیشه آزادی هتاک نیست

- مهمترین قیود آزادی، قیود اخلاقی است.

- چگونه می توان با طرح گسترده نظریات علمی و رواج بازار نقد و نقادی در جامعه، سلامت علمی جامعه را نتیجه گرفت؟

زمانی که:

اولاً: موضوعات گفتگو، مفید و ثمر بخش باشند.

ثانیاً: گفتگوها در فضایی مناسب و به شیوه ای سالم و با مراعات اصول معرفتی و اخلاقی صورت پذیرد.

تفکر انتقادی یا منطق کاربردی

- یکی از موضوعاتی که در دوران جدید به شدت مورد اهتمام اندیشمندان قرار گرفته است، مباحثی است که تحت عنوان تفکر نقادی مطرح می شود.

- در تفکر انتقادی یا منطق کاربردی دانشجو با انواع بسیاری از مغالطه ها آشنا می شود.

- هدف از آشنایی با تفکر انتقادی، مواجهه با اندیشه های گوناگون به شیوه منطقی در موارد ضروری است.

- طبیعی است که ارتکاب مغالطه در حالت عادی و معمولی در رد یا دفاع از یک اندیشه، عملی غیر اخلاقی است.

- باید در کنار آشنایی با مغالطه با آداب و اصول اخلاقی در مقام ارایه یک اندیشه، به خوبی آشنا شده و از لغزشگاههای بزرگ و سعادت سوز به

شدت پرهیز کنیم.

- درباره نقد و انتقاد دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:

الف) نقد و انتقاد صرفاً، به معنای بیان خوبیها و محسنات است و در آن نباید از زشتیها سخنی به میان آورد.

ب) نقد عیب جوئی و خرده گیری است.

ج) نظریه معتدل: ارزیابی منصفانه یک چیز است.

- هدف از نقد و انتقاد چیست؟

- هدف شناسایی و شناساندن زیبایی و زشتی، بایستگی و نبایستگی، بودها و نبوده‌هاست.

۳- ضرورت نقد

- ضرورت نقد در دو جا ملاحظه می شود:

الف: نقص دیگران را برطرف می کند.

ب: سوء تفاهم بین نقد کننده و نقد شده را از بین می برد.

امام صادق (ع): بهترین دوستان نزد من کسانی اند که عیوب و نواقص من را به من هدیه دهند.

امام علی (ع): کسی که عیوب و کاستیهای تو را پنهان کند، دشمن تو است.

- اصولاً باید دانست که نقد و انتقاد از نابسامانیها و کج اندیشیها، یکی از وظایف دینی مردم است.

۴- شرایط اخلاقی نقد

پس از بیان مباحثی مقدماتی در باب اهمیت نقد، به بیان شرایط و آداب اخلاقی نقد می پردازیم:

۱- فهم سخن و تبحر در موضوع

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست سخن شناس نه ای دلبر! خطا اینجاست

امام علی (ع): اگر دانستن چیزی بر تو دشوار گردد، آن دشواری را از نادانی خود به حساب آر چه تو نخست که آفریده شدی نادان بودی سپس دانا

گردیدی.

- اگر در نقد، به ویژه نقدهای علمی، ناقد در پی بیان درستیها و نادرستیهای یک اندیشه است، طبیعتاً نخستین شرط این کار آن است که آن سخن را به

درستی فهمیده باشد.

- داشتن تبحر و مهارت کافی در موضوع مورد نقد، یکی از شرایط اخلاقی نقد است.

- کسی که اندیشه، گفتار یا کردار او مورد نقادی قرار می گیرد نباید فوراً ناقد را به عدم فهم مطالب خود متهم کند.

۲- کنار نهادن حب و بغض

- تأثیر حب و بغض تا آنجا است که می تواند هنر را عیب و عیب را هنر جلوه دهد. کسی که به قصد میج گیری، به نقد یک اندیشه یا رفتار می پردازد،

قطعاً از درک حقیقت آن عاجز خواهد بود.

- باید توجه داشت که شخص یا اشخاصی که اندیشه یا رفتار آنان مورد نقد قرار گرفته است، اخلاقاً مجاز نیستند ناقد را به سوء غرض و داشتن حب و

بغض نسبت به خودشان متهم کنند.

۳- پرهیز از نقد متقابل

- یکی دیگر از آفتهای اخلاقی بزرگ در عرصه نقد و نقادی آن است که بسیاری از نویسندگان در پاسخ نقدهای یک ناقد، بدون آنکه به پاسخ گویی

نقدها پردازند، به بررسی آثار ناقد و مطالعه سرگذشت و تاریخچه ناقد پرداخته و می کوشند تا به گونه ای بی عملیها و نادرستیهای او را استخراج کنند.

۴- نقد انگیزه به جای انگیزه (به گفته بنگر نه به گوینده)

- یکی دیگر از بزرگ ترین آفتهای اخلاقی در عرصه نقد، خلط و انگیزه و انگیزه است. کسی که مورد نقد قرار می گیرد به جای پرداختن به پاسخ

نقدهای ناقد به کالبد شکافی نیت و انگیزه او اقدام می کند.

- امیر مؤمنان علی (ع): "حکمت را از هر کسی که آن را بیان می کند بگیر و به گفته بنگر و به گوینده منگر. حکمت گمشده مومن است. پس آن را

فراگیر هر چند از منافقان باشد.

۵- تفکیک اندیشه و رفتار از فرد

- هم شخص ناقد و هم شخص یا اشخاص مورد انتقاد باید به این مهم توجه داشته باشند که نقد را، از ساحت نقد اندیشه و کردار، به نقد صاحب اندیشه

و کردار نکشانند.

۶- لزوم بردباری و نقد پذیری

"ولا تستوی الحسنه ولا السیئه اذفع بالئی هی احسن فاذا الذی بینک و بینہ عداوه کأنه ولی حمیم." (فصلت/ ۳۴)  
هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.

۷- پرهیز از برچسب زدن

-یکی از شیوه های نادرست و خلاف اخلاق در مسئله نقد، برچسب زدن و انگ زدن به صاحبان اندیشه و یا به ناقدان است.  
-برچسب هایی از قبیل: ارتجاعی، غربی، غرب زده، علم زده، فاشیست، مستبد، دلواپس و...  
-اگر اندکی بیندیشیم خواهیم دید که چنین برچسب هایی حتی اگر هم درست باشند، هرگز خللی در بنیانهای منقی یک اندیشه ایجاد نمی کنند.  
-آیا قرون وسطایی بودن یک اندیشه یا نو بودن آن در درستی یا نادرستی آن دخالت دارد؟  
-خیر این عمل در حقیقت یکی از مغالطات منطقی است که معمولاً در کتابهای منطقی از آن به عنوان "مغالطه از طریق منشأ" یاد می شود.

۸- آغاز کردن از خود

"یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون کبر مقتاً عندالله ان تقولوا ما لا تفعلون". (صف/ ۳)  
ای کسانی که ایمان آورده اید چرا سخنی می گوید که عمل نمی کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید.  
-پیامبر اکرم (ص): خوشا به حال کسی که عیوب خودش او را از عیب گویی دیگران باز داشته است.  
-امام صادق (ع): سودمندترین چیز برای انسان این است که به عیب خویش بر مردم پیشی گیرد.  
هر کسی که عیب خود دیدی زپیش کی بدی فارغ خود از اصلاح خویش غافل اند این خلق از خود ای پدر لاجرم گویند عیب همدگر

## فصل چهارم

### "اخلاق معیشت"

"و ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری ثم یجزاه الجزاء الاوفی". و این که برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست و این که تلاش او به زودی دیده می شود سپس به او جزای کافی داده خواهد شد.

۱- اهمیت و جایگاه

-در این فصل برآنیم که برخی از مهم ترین اخلاقیات مربوط به معیشت را یادآور شویم.  
-هر فرد به تناسب استعدادها و تواناییهای ذاتی خویش و یا به اقتضای شرایط اجتماعی و محیطی، برای تأمین معیشت خویش شغلی را انتخاب می کند.  
-هر شغلی اخلاقیات خاص خود را می طلبد. با وجود این تأمین معاش، به طور کلی و صرف نظر از اینکه در قالب چه شغلی یا تخصصی باشد، احکام اخلاقی مشترکی دارد.

-مسئله معیشت یکی از مهمترین و پایدارترین مسائل بشری است.

-افراد بی کار، هر چند از نظر اقتصادی نیازمند نباشند، باز هم انسانهایی موفق تلقی نمی شوند.

آثار و نتایج کارکردن چیست؟

الف: امرار معاش و تأمین مایحتاج مادی زندگی.

ب: احساس شخصیت، عزت، استقلال و اعتماد به نفس.

ج: خود را یک عضو فعال و تأثیر گذار در جامعه می داند.

آثار و نتایج بیکاری چیست؟

الف: یأس، نومیدی

ب: سرخوردگی و بی شخصیتی

ج: یک عضو بی فایده در جامعه تلقی می شود.

-کار، یک وظیفه و مسئولیت اجتماعی نیز هست. یعنی اگر ما شخصاً هیچ احتیاجی نداشته باشیم، باز هم وظیفه اجتماعی و مسئولیت اخلاقی ما اقتضا می کند که بیکار نباشیم.

-مؤمنان شاغل، محبوب خداوند هستند.

- پیامبر اکرم (ص): عبادت و پرستش خداوند هفتاد جزء دارد که بالاترین و برترین جزء آن، طلب روزی حلال است.

- اسلام هرگز کارکردن و تلاش برای تأمین معاش را جدای از عبادت و پرستش نمی داند.

- پیامبر اکرم (ص) درباره انسانهای بیکار می گویند:

"ملعون من القی کله علی الناس" کسی که بار زندگی خود را بر دوش مردم بیاندازد مورد لعن است.

- امام باقر (ع): حضرت موسی (ع) از خداوند سؤال کرد که خدایا مبعوض ترین بندگان نزد تو چه کسانی هستند؟

خداوند فرمود: کسانی که شب تا صبح همچون جسدی مرده می خوابند و روز خود را به بطالت و بیکاری می گذرانند.

- امام صادق (ع): کسی که نمی خواهد از راه حلال مالی را فراهم کند که با آن آبروی خود را حفظ نماید و دینش را ادا کند و صله رحم را به جا آورد، خیری در او نیست.

۲- کار در سیره اولیای دین

- همه پیامبران و امامان برای تأمین مخارج زندگی خود و خانواده شان کار می کردند.

- یکی از یاران امام صادق (ع) که می بیند حضرت در یک روز گرم مشغول بیل زدن هستند به ایشان می گویند: اجازه دهید من به جای شما کار کنم حضرت (ع) در پاسخ فرمود: "من دوست دارم که انسان برای تأمین معاش و در طلب معیشت، سختی و آزار آفتاب گرم را تحمل کند".

۳- نقش نیت در ارزشمندی کار

- یکی از مهم ترین ارکان ارزشمندی کارهای اختیاری انسان، مسئله نیت و انگیزه فرد از انجام آن است.

- آن همه ارزشی که در اسلام برای کار ذکر شده است، همگی مبتنی بر داشتن نیت و انگیزه خوب است.

- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: اگر انسان به انگیزه مباحات و فخر فروشی و به هدف تکاثر و مال اندوزی کار کند، در آن صورت در راه شیطان است.

۴- رابطه اخلاق و معیشت

- در روایات متعددی اخلاق نیکو به عنوان یکی از عوامل گشایش در رزق و روزی و اخلاق بد به عنوان یکی از عوامل تنگدستی و فقر معرفی شده است.

- پیامبر اکرم (ص): ای ابوذر به درستی که انسان گاهی به دلیل انجام گناه، از روزی مقرر خود محروم می شود.

- پیامبر اکرم (ص): گنجهای رزق در اخلاق خوب نهفته است.

- پیامبر اکرم (ص): اخلاق نیکو، موجب زیادت در روزی می شود.

- با توجه به روایات مطرح شده منظور از رزق چیست؟

- باید توجه داشت که رزق در اینجا معنایی عام و گسترده دارد. یعنی منحصر در رزق متعارف از قبیل خوراک و پوشاک و مسکن و مانند آن نیست

بلکه شامل رزقهای معنوی و اخروی نیز می شود.

- مصیبتها و محرومیتها معلول و پی آمد چیست؟

- در بسیاری از آیات و روایات، این حقیقت را تأکید کرده است که علت اصلی محرومیتهای انسان اعمال و رفتارهای ناشایست خود او است.

در این راستا مراجعه شود به قرآن: ثور/ ۳۰ و اعراف/ ۹۶ و طلاق/ ۳

- پیامبر اکرم (ص): هر مصیبتی به شما رسد به سبب دستاورد خود شما است و خدا بسیاری را نیز عفو می کند.

دل از آلودگیها گر بود پاک زبان شد پاک از هر عیب و هر آک و گر این آینه بگرفت زنگار زبان گردد بسان مار جرار

- هر چند ما نتوانیم با عقل جزئی نگر خود رابطه میان گناه و محرومیت از رزق، به ویژه رزقهای مادی، را درک کنیم، همان طور که ممکن است

نتوانیم رابطه میان اخلاق نیک و بهره مندی از رزقهای مادی و معنوی را به درستی دریابیم، اما باید بدانیم که این رابطه، از نظر قرآن و معارف اصیل

اسلامی، رابطه قطعی و ضروری معرفی شده است.

۵- نقش کار در تربیت و بهداشت روانی

- یکی از مهمترین عوامل سازنده شخصیت انسان، کار است. امام علی (ع): "النفس ان لم تشغله شغلک"

اگر نفس خود را به کاری مشغول نسازی او تو را مشغول خواهد کرد.

- نفس انسانی به ویژه قوه خیال آدمی به گونه ای است که اگر بیکار باشد، انسان را به تباهی و فساد خواهد کشاند.

- یکی از مهمترین علل ارتکاب گناه، بیکاری است.

- اشتغال افزون بر اینکه، از انفجار انرژیهای متراکم جلوگیری می کند، مانع پیدایش افکار و وساوس و خیالات شیطانی نیز می شود.

-به قول پاستور بهداشت روانی انسان در لابراتوار و کتابخانه است.

-ولتر می گفت: هر وقت احساس می کنم که درد و رنج بیماری می خواهد مرا از پای در آورد، به کار پناه می برم. کار بهترین درمان دردهای درونی من است.

۶- کار و احساس شخصیت

امام علی (ع): هر آینه که نقل و انتقال سنگهای سنگین از بالای کوهها برای من دوست داشتنی تر از منت کشیدن از دیگران است.

امام علی (ع): اگر می خواهی آزاد زندگی کنی، مثل بردگان تلاش کن. آرزویت را از مال دیگران به طور کلی قطع نما.

-درخواست کمک مالی از مردم و سربار دیگران بودن، به دلیل آفات اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی فراوانی که دارد، به شدت مورد مذمت و نکوهش اسلام و اولیای اسلام قرار گرفته است.

-شخصی به خدمت امام صادق (ع) آمد و عرض کرد: من مردی فقیر و تنگدست هستم که نه می توانم کار درستی انجام دهم و نه فن تجارت را می دانم. امام صادق (ع) فرمودند: کار کن؛ با سرت باربری کن و خود را از مردم بی نیاز گردان.

- هرگز نباید به خریدی کار نگاه کرد.

-پیدا نکردن شغلی مطابق به میل خود هرگز مجوز بیکاری و پذیرش خواری در خواست از دیگران نیست.

• نتایج این فصل:

الف: موثر بودن کار در شکل گیری شخصیت فردی و اجتماعی انسان و بهداشت روانی او.

ب: ارزشمندی کار و تحقیر نکردن کار و صرف نشدن اوقات در بیکاری

ج: کار از دیدگاه اسلام نوعی عبادت محسوب می شود.

د: اخلاق نیک موجب گشایش در رزقهای معنوی و مادی است.

م: اخلاق بد موجب تنگدستی است.

## فصل پنجم " اخلاق معاشرت "

۱- اهمیت و جایگاه

-در طول تاریخ همواره گروه هایی بوده و هنوز هم در گوشه و کنار جهان هستند که از معاشرت با دیگران پرهیز داشته و زندگی در انزوا و خلوت را ترجیح داده اند.

-دلیل انزوا و گوشه گیری این گروه ها:

۱- اجتماع و زندگی اجتماعی با دیگران زمینه ساز گناه و انحراف است.

۲- معاشرت با دیگران زمینه ساز بسیاری از رذایل اخلاقی است.

۳- انزوا باعث می شود انسان با خیالی آسوده و بدون دغدغه فکری به عبادت و راز و نیاز با معبود می پردازد.

۴- از آسیب تهمت و حسادت و سوء ظن مردمان بد اندیش در امان می مانند.

-حقیقت آن است که معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران، یکی از مهم ترین و اصلی ترین نیازهای روحی و روانی آدمیان است.

-کلمه انسان برای انسان شاید به دلیل نیازمندی او به انس و الفت با دیگران است.

-به هر حال هیچ انسانی در شرایط عادی، به تنهایی توانایی بقاء و ادامه حیات را ندارد.

-چرا یکی از بزرگ ترین و طاقت فرساترین مجازاتها برای مجرمان، نگه داشتن آنان در سلول انفرادی است؟

-آیا جز این است که زندان انفرادی او را از دیدن سایر انسانها، سخن گفتن با آنان و معاشرت داشتن با دیگران محروم می کند؟

-کسی که با نگه داشتن در سلول انفرادی مجازات می شود رنجی که از دوری دیگران می برد به مراتب از رنجی که از ممنوعیت از خوراک و پوشاک و امثال آن می برد طاقت فرساتر است.

-گروههایی که انسان با آنها مواجه است به ترتیب:

۱- خانواده

۲- سایر اقوام

۳- همسالان، همسایگان و دوستان

۴- اجتماع، شهر و جامعه جهانی

- همه موارد فوق در تکون شخصیت اجتماعی، اخلاقی، سیاسی انسان تأثیری انکار ناپذیر دارد.

- جامعه ظرف ظهور:

۱- فضایل اخلاقی مانند: عدالت، انصاف، احسان، ایثار و...

۲- رذایل اخلاقی مانند: ظلم، تکبر، خیانت، دروغ، رشوه، بی بند و باری و...

۳- تعلیم و تعلم

۴- آشنایی با تجارب دیگران

- معاشرت با دیگران، یکی از بهترین ابزارها برای تهذیب نفس و خودسازی است.

"معاشرت به طور مطلق"

- از مطالب پیش گفته به دست می آید که معاشرت به طور مطلق و با همه انسانها نه قابل توصیه است و نه قابل هشدار

- می توان گفت که معاشرت با دیگران دو گونه است:

۱- معاشرت مطلوب و سازنده

۲- معاشرت نامطلوب و مخرب

- معاشرت به خودی خود مطلوبیت ذاتی ندارد

- خوب یا بدی معاشرت بستگی به دو چیز دارد:

۱- هدف از معاشرت

۲- نوع تأثیر آن در کمال مطلوب انسان، پیامبر اکرم (ص): ای ابوذر همنشین صالح بهتر از تنهایی و انزوا است و تنهایی بهتر از همنشین ناصالح است.

۲- انواع معاشرت:

به طور کلی می توان معاشرتهای هر فردی را با دیگران به پنج دسته تقسیم کرد:

۱- معاشرتهای انسانی

- منظور ما از معاشرتهای انسانی برخوردهایی است که با دیگران، به عنوان یک انسان و همنوع داریم.

۲- معاشرتهای آیینی

- نوع دیگری از معاشرت هست که می توان آن را معاشرت آیینی یا دینی نامید. یعنی معاشرتهای و روابطی که هر فردی با سایر افراد هم کیش و هم ملک خود دارد.

- پیامبر اکرم (ص): کسی که فریاد استمداد برادر مسلمانی را بشنود، ولی به یاری او نشتابد، مسلمان نیست.

۳- معاشرتهای شهروندی

- هر کدام از ما به عنوان یک شهروند با سایر شهروندان دارای روابط خاصی هستیم که با غیر شهروندان چنان روابطی را نداریم.

علی (ع): و خدا را! خدا را! همسایگان را بپایید که سفارش شده پیامبر شمایند...

۴- معاشرتهای دوستانه

- هر یک از ما از میان همنوعان، همشهریان یا هم کیشان خود، افراد خاصی را بر می گزینیم و با آنان روابط صمیمانه تری را برقرار می کنیم. همین

مسئله وظایف اخلاقی خاصی بر عهده ما می گذارد

۵- معاشرتهای خانوادگی

- ما به عنوان یک فرزند، در قبال والدین خود وظایف ویژه ای بر عهده داریم. احترام والدین، روابط همسران، نحوه تربیت فرزند، صلح رحم، و ده

ها مسئله خرد و کلان دیگر، همگی مربوط به این نوع از معاشرت می شود.

۳- معیار معاشرت

"هر چه برای خود می پسندی برای دیگران هم بپسند."

- شخصی به محضر پیامبر (ص) رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا، کاری را به من بیاموزان که با انجام آن به بهشت در آیم. پیامبر اکرم (ص) در

پاسخ فرمودند: "چیزی را که دوست داری از ناحیه مردم به تو برسد، به آنان برسان و چیزی را که دوست نداری از مردم به تو برسد، به آنان

نرسان."

- بهترین و کاملترین معیار برای سنجش درستی یا نادرستی رفتارهای اجتماعی چیست؟

این است که انسان خود را به جای دیگران قرار دهد.

-چرا در هنگام معاشرت با دیگران باید خود را به جای آنان بگذاریم؟

-همین مقدار که انسانهایی هستیم و باید با هم زندگی کنیم و از زندگی اجتماعی نمی توانیم چشم پوشیم و این زندگی به روابط متقابل نیازمند است، کافی است تا خود را به رعایت روابط اجتماعی متقابل ملزم سازیم و رفتار مناسب داشته باشیم و این مهم با این معیار که خود را به جای طرف مقابل فرض نماییم به دست می آید و محقق می گردد.

۴-اهتمام به امور مردم

-توصیه اکید اسلام این است که هر مسلمانی همواره باید دغدغه سایر انسانها را داشته، نسبت به هدایت و ارشاد آنها احساس مسئولیت کند. و این مختص به هم کیشان و هم مسلکان او نیست.

بنی آدم اعضای یک دیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

پیامبر اکرم (ص): مردمان همگی، عیال خداوند هستند، پس محبوب ترین افراد نزد خداوند، نیکوترین شان نسبت به عیال خداوند است.

پیامبر اکرم (ص)، در سخنی دیگر، اوج خردورزی را پس از دینداری، مهربانی و محبت و خیرخواهی نسبت به همه انسانها، اعم از خوب و بد، معرفی کرده است.

پیامبر اکرم (ص): محبت نسبت به مردم نصف ایمان است.

امام علی (ع): محبت به مردمان نصف عقل محسوب می شود.

خورنده که خیرش برآید زدست به از صائم الدهر دنیا پرست مسلم کسی را بود روزه داشت که در مانده ای را دهد نان چاشت

-تصور عموم از بشر دوستی اهتمام به امور مردم، مسائل مادی و رفاهی است.

-برخی از نویسندگان در این باره گفته اند:

"بشر دوستی عبارت از در نظر گرفتن حقوق مردم و سعی در رفاه حال آنان است."

-روشن است که امور مردم و سودرسانی و خدمت به آنان منحصر در امور مادی و رفاهی نیست.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "من اصبح ولا یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم"

کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست.

به قول سعدی: "برادر که در بند خویش است نه برادر و نه خویش است."

۵-برآورده ساختن نیاز مردم

-یکی دیگر از وظایف اخلاقی ما در جامعه این است که در برآورده ساختن نیازهای برادران دینی خود کوشا باشیم.

این کار از جمله محبوب ترین کارها نزد خداوند به حساب می آید.

در اسلام در پیش قدم شدن در رفع حوائج دیگران:

-از همه مسلمانان خواسته شده که به محض اطلاع از نیازمندی یک مؤمن، موظفند، در صورت امکان، در رفع نیاز او پیش قدم شوند یعنی اجازه ندهند که آن فرد، نیازش را بیان کند.

"اذا علم الرجل ان اخاه المؤمن محتاج فلم يعطه شيئاً حتى ثم اعطاه لم يؤجر علیه".

هرگاه کسی آگاه شود که برادر مؤمن وی، نیازمند است و چیزی به او ندهد تا آنکه از او بخواهد، سپس به او عطا نماید پاداشی نصیب وی نخواهد شد.

-حتی اگر کسی، خودش، نمی تواند نیاز برادر مسلمانش را برآورده سازد، ولی می تواند از اعتبار و آبروی خود در این جهت مایه بگذارد، اخلاقاً

موظف است، این کار را انجام دهد.

-امام رضا (ع) در این باره فرمودند: "خداوند را در روی زمین بندگانی است که در برآورده ساختن نیازهای مردم تلاش می کنند، اینان روز قیامت در امان هستند".

۶-اصلاح میان مردم

(... "فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم و اطیعوا الله و رسوله ان کنتم مؤمنین") انفال / ۱

...پس از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید؛ و خصوصتهایی را که در میان شما است، آشتی دهید؛ و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید؛ اگر ایمان دارید.

("أما المؤمنون اخوه فأصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون.") حجرات / ۱۰

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.

## "اصلاح ذات بین"

- یکی از بهترین و مطلوب ترین اخلاقیات اجتماعی، اصلاح ذات بین است.
- بدون تردید در زندگی اجتماعی همواره ممکن است کدورتها و ناراحتیهای میان افراد، پدید آید.
- وظیفه دیگران در بروز کدورت و ناراحتی بین دو نفر چیست؟
- یکی دیگر از وظایف اخلاقی سایر افراد این است که میان آنان را آشتی داده و اجازه دهند که اختلافی جزئی به اختلافات ریشه ای و عمیق تبدیل شود.

-اصلاح ذات بین در اسلام از نماز و روزه و صدقه دادن نیز بالاتر دانسته شده است.

-امام صادق (ع): اصلاح میان مردم را نوعی صدقه دانسته اند که محبوب خداوند است.

۷- نظارت اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر

-یکی از بهترین جلوه های اخلاق اجتماعی در اسلام، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است.

-در این راستا می توان به کتابهای ذیل مراجعه کرد:

۱- بعد اجتماعی اسلام اثر محمد اسفندیاری

۲- ده گفتار اثر مرتضی مطهری

۳- دانش نامه امام علی (ع)، ج ۶، اثر سید حسن اسلامی

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۶، اثر محمد بن حسن الحر العاملی

-انسان باید بکوشد تا خوبیها را در سطح جامعه گسترش دهد و زشتیها و بدیها را، در هر جایی که می بیند، بردارد.

-امر به معروف و نهی از منکر، بهترین و زیباترین نشانه اهتمام به امور خلق و توجه به مسائل مسلمانان است.

-امر به معروف و نهی از منکر؛ یعنی در برابر دیگران احساس مسئولیت کردن.

-لقمان خطاب به فرزندش می گوید:

"یا بنی اقم الصلاه و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک انّ ذالک من عزم الامور." لقمان/ ۱۷

پسر! نماز را برپا دار، امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصیبتی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است.

-علی (ع)، مهمترین دلیل پذیرش خلافت را، پس از قتل عثمان، امر به معروف و نهی از منکر دانست.

## فصل ششم: اخلاق جنسی

مفهوم اخلاق جنسی

به سلسله ای گفته می شود که به غریزه جنسی مرتبط اند مانند ۱. نحوه ارضا غریزه ۲. حیای زن ۳. غیرت مرد ۴. ازدواج ۵. وفا داری به همسر

سه نظریه و دیدگاه در باره غریزه جنسی \*مهم\*

۱. نظریه تفریطی ( معتقدند برای رسیدن به مقامات بالا باید از غریزه جنسی رها شد ) ( مسیحیان : ۱- حفظ نسل ۲- دفع افسد به فاسد )

۲. نظریه افراطی (زیگموند فروید اتریشی) معتقد است ریشه همه مشکلات و مسائل در سرکوب کردن غریزه جنسی است .

۳. نظریه معتدل ( بهره مندی مشروع از این غریزه شرط تکامل معنوی انسان و رسیدن به سعادت واقعی است ).

دیدگاه نظریه تفریطی

غریزه جنسی میلی ذاتا پلید می دانند- آمیزش جنسی به طور کلی حتی با همسر کاری زشت است - عامل اصلی تباهی جامعه را میل جنسی می دانند -

برای رهایی از گرفتاری های روحی و اجتماعی پیشنهاد می شود غریزه جنسی را نادیده بگیرد .

مثل آئین جینیزم می گوید: انسان باید شهوت را بر خود حرام کند و مهمترین بلا در جوامع محبت به زن است . ( آیین جین )

کسی به مقامات بالای معنوی دست می یابد که از همه تعلقات مربوط به غریزه جنسی آزاد باشد ، حتی علاقه به فرزند ، خانه و خانواده را باید رها کند

( آیین بودا )

دیدگاه نظریه افراطی

میل جنسی در انسان نسبت به امیال دیگر شدید تر است . این میل مختص به بلوغ نیست بلکه از دوران کودکی در انسان وجود دارد . این میل بطور

عُفده در ضمیر نا خدا گاه انسان متراکم می شود.

در این نظریه ۳ استدلال وجود دارد :

استدلال ۱: ریشه بیماریهای روحی و اجتماعی بشر در سرکوب غریزه جنسی و ایجاد محدودیت برای ارضای آن است.

در پاسخ: ۱- اینکه ریشه بیماریهای روحی بشر، ایجاد محدودیتهای جنسی است ادعایی بی دلیل است ۲- آزادی همه جانبه غرایز جنسی نه تنها موجب دستیابی به سعادت نخواهد شد بلکه آشفته‌گی های روحی و روانی شدیدتری خواهد داشت. ۳- اینگونه بیماریهای روحی و روانی را در جوامعی که در ارضای غریزه جنسی محدودیتی ندارند یا محدودیت کمتری دارند می توان به وضوح در آن جوامع مشاهده کرد.

استدلال ۲: انسان نسبت به چیزی که منع شود حریص تر می شود.

در پاسخ: ۱- پذیرش این اصل که هرگونه ممنوعیتی حرص آور است و نتیجه عکس می دهد پس باید کلیه قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی برچیده شود زیرا حرص آور بوده و نتیجه عکس می دهد! ۲- در جوامعی که آزادی جنسی وجود دارد بیشتر جوانان خود را تحت فشار می بینند و نباید از روحیه تنوع طلبی بشر غافل بود. (بی نهایت خواهی: همیشه آنچه ندارد میخواهد)

استدلال ۳: خالق انسان بی جهت این غریزه را در نهاد او قرار نداده برای ارضا و اشباع در اختیار انسان قرار داده نه سرکوب (خلاف هدف آفرینش) در پاسخ: ۱- پذیرش این استدلال به معنای هرج و مرج کامل اخلاقی و اجتماعی است (سربازی با شنیدن اولین صدای انفجار از میدان نبرد فرار کند و دردآگاه نظامی علت فرار را طبیعت از غریزه بدانند نه تنها باید مورد پذیرش قرار گیرد بلکه باید تشویق هم بشود! ۲- غرایز انسان منحصر در غریزه جنسی نیست بلکه دارای غرایز مختلف و متنوعی است.

شهره: عبارت از جنبه افراطی شهوت  
خمودی: عبارت از جنبه ی تفریطی شهوت  
دیدگاه نظریه معتدل (نظریه اسلام)

بهره مندی مشروع از این غریزه شرط تکامل معنوی انسان و رسیدن به سعادت واقعی است. وسیله ای برای تداوم زندگی بشر و بقای نوع انسان.

(حکایت زنی که نزد امام محمدباقر(ع) - بتبل = مجرد ماندن - اگر مجرد فضیلت بود حضرت فاطمه(س) سزاوارتر به این کار بود)

تفاوت دو نظریه تفریطی و افراطی را بنویسید؟

نظریه تفریطی می گوید ریشه همه پلیدیها میدان دادن به غریزه جنسی ولی نظریه افراطی می گوید در ریشه همه پلیدیها سرکوب کردن غریزه جنسی است.

عوامل شهوت پرستی

۱. در خدا شناسی و سستی ایمان به خدا و پیامبر و عدم رعایت دستورات دینی

۲. ضعف در خود شناسی و نداشتن درکی درست از خویشتن و بی توجهی به ارزشهای انسانی تا سرحد حیوانات

۳. ضعف در شناخت امور و عدم شناخت پیامدهای ناگوار دنیاوی و اخروی و شهوت رانی

قل للمومنین یغضوا ابصارهم و قل للمومنات یغضن من ابصارهن (سوره نور) هم مردها چشم برهم بگذارند و هم زنان چشم برهم بگذارند.

پیامبر اکرم(ص): چشمی که به نامحرم نگاه نکند، عظمت و جلال خداوند را مشاهده می کند.

اهمیت ازدواج:

تنها راه مشروع و مقبول ارضای غریزه ازدواج است. رهایی از خودپرستی و خود دوستی بسوی غیردوستی است. واجب شرعی است. دورکعت نماز شخص ازدواج کرده برتر از هفتاد رکعت نماز انسان عذب شده است.

امام صادق(ع): کسی که بخاطر فقر ازدواج نکند نسبت به خداوند بدگمان است. پیامبر اکرم(ص): برای بهره مندی از رزق ازدواج کنید زیرا در زنان برکت است.

شرایط همسر خوب

۱. اصالت خانوادگی - پیامبر اکرم(ص): ائِهَا النَّاسُ اَیُّا کُمْ وَ خَصْرَاءُ الدِّمَنِ: شما را به شدت از ازدواج با دختران زیبا که شرافت خانوادگی ندارند برحذر می دارم.

۲. اخلاق نیک - امام رضا(ع): دختر خوب را به شراب خوار ندهید.

۳. تقوا و تدبیر - دست کم به کمترین درجه تقوا که ترک محرمات و انجام واجبات است اهتمام ورزید.

فضایل اخلاقی مربوط به غریزه جنسی

۱. عفت و پاکدامنی (عفت جنسی: کنترل غریزه جنسی در چارچوب عقل و شرع) امام باقر(ع) می فرماید: «هیچ عبادتی برتر از عفت شکم و

عفت جنسی نیست.»

۲. غیرت ( کوشش در محافظت از چیز هایی که نیاز به محافظت دارد) حفاظت زیادی نگرانی ایجاد کرده و موجب سوءظن می شود که در نهایت شخص را به گناه می کشاند .

۳. حجاب و ترک خودنمایی در انظار عمومی

تفاوت غیرت و حسادت

۱. غیرت از فضایل اخلاقی اما حسادت از رذایل اخلاقی است .

۲. منشا غیرت نوع دوستی اما منشا حسادت جنبه خود خواهی دارد.

(حسد : آرزویی است منفی نسبت به دیگران ) ( غیرت یک آرزوی مثبت است نسبت به دیگران )

## فصل هفتم: اخلاق سیاست

بیان دیدگاه: درباره رابطه اخلاق و سیاست، دیدگاههای متعددی از سوی دانشمندان سیاسی و مکاتب مختلف اخلاقی مطرح شده است :

نظریه ۱ جدایی اخلاق از سیاست. برخی معتقدند که قلمرو اخلاق از قلمرو سیاست کاملاً جداست، ممکن است رفتاری از نظر اخلاق پسندیده ولی از نظر سیاست ناپسند تلقی شود بنابراین، سیاست غیر اخلاقی است، نه رفتارهای سیاسی را می توان با معیارهای اخلاقی سنجید و نه رفتارهای اخلاقی را با معیارهای سیاسی، بلکه هر دو از این دو حوزه دارای ضوابط و قوانین خاص خود هستند.

ماکیا ولی نماینده تام این نظریه است وی معتقد است پابندی به اخلاق در عرصه سیاست نتیجه ای جز شکست و نابودی در پی ندارد، برخی نقد دیگری از این دیدگاه دارند بدین بیان که ما دو سیستم اخلاقی داریم، اخلاق فردی، اخلاق سیاسی و اجتماعی. این دو نوع سیستم اخلاقی دارای اصول و قواعد خاصی خود هستند. نقد و بررسی این نظر با هر دو نقد پیش، ناشی از درک نادرست اخلاق و احکام اخلاقی است.

موضوع احکام اخلاقی، افعال اختیاری انسان است، و متعلق این افعال اختیاری، گاهی خود انسان است که از آن به اخلاق الهی و گاهی نیز جامعه است که از آن بعنوان اخلاق اجتماعی یاد می شود. بنابراین هیچ فعلی از افعال اختیاری انسان، نمی تواند خارج از چارچوب اخلاق قرار گیرد. رفتارهای سیاسی نیز مانند رفتارهای فردی، بخشی از افعال اختیاری انسان است که مورد ارزش گذاری اخلاقی قرار می گیرند.

نظریه ۲ اصالت سیاست و تبعیت اخلاق از سیاست بر اساس این نظریه، همه رفتارهای اخلاقی اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی، تحت سیطره سیاست است. ارزش های اخلاقی تابع مصالح سیاسی است. اخلاق و ارزشهای اخلاقی در این دیدگاه صرفاً جنبه ابزاری دارند و تا آنجا ارزشمندند که ما را به اهداف سیاسی مان برسانند. نقد و بررسی نخستین اشکال این نظریه، پذیرش نسبت گرایی است که بر اساس آن نمی توان هیچ حکم اخلاقی ثابتی داشت. یک کار ممکن است از نظر گروهی اخلاقی و از نظر گروه دیگر غیر اخلاقی می باشد. اشکال دیگر این نظریه این است که معنای واقعی سیاست به درستی درک نشده است. زیرا اگر هدف سیاست را وصول به سعادت بدانیم، هدف سیاست همان هدف اخلاق خواهد بود و سیاست زیر مجموعه اخلاق خواهد بود. بلی اگر هدف سیاست را ارضای شهوات و غرایز حیوانی بدانیم، هدفش غیر اخلاقی خواهد بود.

نظریه ۳ اصالت اخلاق و تبعیت سیاست از اخلاق نظریه مقبول و معقول این است که اصالت با اخلاق و سیاست تابع اخلاق است. الگوی علمی و عملی این نظریه حضرت علی (ع) است.

وظایف اخلاقی مردم در انتخاب مسئولین

۱- رعایت تناسب میان فرد و مسئولیت مورد نظر در انتخاب افراد برای مسئولیت باید تخصص آن فرد با مسئولیت آن در نظر گرفته شود والا نیروها هدر می رود و امکانات ضایع می شود و متخصصان مأیوس می گردند .

۲- توجه به سوابق کاری (تجربه) یکی دیگر از ویژگیهای لازم برای انتخاب مسئولان است. حضرت امیر(ع) در نامه خود به مالک اشتر می فرماید: از اهل تجربه و صاحب حیا در مسئولیت استفاده کن.

۳- توجه به اصالت خانوادگی یکی دیگر از ملاکهای انتخاب مسئولان، توجه به اصالت خانوادگی افراد است. باز حضرت امیر(ع) به مالک اشتر می فرماید: به کسانی نزدیک شو که گوهری نیک دارند و از خاندان پارسایند و از سابقتی نیکو برخوردارند .

۴- توجه به سوابق دینی و اخلاقی افرادی که پایبند به دین نیستند نه می توانند به درستی بر مردم خدمت کنند و نه احکام دین را اجراء کنند و نه می توانند امین مردم باشند، این افراد که در قبال خداوند احساس مسئولیت نمی کنند، در مقابل مردم نیز خود را مسئول نخواهند دانست. حضرت امیر(ع) به مالک می فرماید: بدترین وزیران تو، کسی است که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و آنکه در گناهان آنان شرکت نموده است .

۵- خود داری از انتخاب نالایقان. مسئولیت امانت الهی است و این امانت را باید به افراد لایق سپرد. پیامبر(ص) فرمود: کسی که فردی را در قومی به کار گیرد که در میان آنان کسانی هستند که خداوند از آنان راضی تر است، پس به خداوند خیانت کرده است. امام صادق(ص) نیز فرمود: کسی که مردم را به سوی خود بخواهد در حالی که داننا تر از او در میان مردم باشد بدعت گذار و گمراه است.

۶- مشورت و رایزنی از آنجا که همه از تخصص و آگاهی لازم برای شناخت مدیران و مسئولان لایق و مناسب برخوردار نیستند، بهتر این است که با صاحب نظران و آگاهان مشورت کنند.

-وظایف حاکمان در برابر مردم

۱- محبت و مدارا در دیدگاه اسلام، مردم عیال خداوندند و با آنها باید با محبت برخورد کرد. خداوند مکرر به پیامبر(ص) فرموده است که با مردم با تواضع و محبت برخورد کن، و حضرت امیر (ع) فرمود: رأس سیاست به کارگیری مداراست.

۲- برخورد صادقانه با مردم حاکمان باید صادقانه با مردم رفتار کنند، مشکلات آنها را رفع و کوتاهی ها و ناتوانیهای خود را بپذیرند.

۳- فاصله نگرفتن از مردم حاکمان باید در درون مردم و با مردم باشند و دیدار چهره به چهره با مردم داشته باشند.

۴- رعایت عدالت.

۵- ساده زیستی

۶- آموزش های دینی

-وظایف مردم در برابر حاکمان

۱- همراهی

۲- امر به معروف و نهی از منکر

-لغزشگاه های اخلاقی مدیران

۱- ریاست طلبی

۲- تکبر

۳- خودرایی و استبداد در تصمیم گیری

موفق و پیروز باشید